

# نقد دائرةالمعارف قرآن لیدن

## بر اساس آراء و مبانی شیعه\*

دکتر سیدرضا مؤدب / سیدمحمد موسوی مقدم  
استاد دانشگاه قم / دانشجوی دکتری مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم

### چکیده

یکی از جدیدترین آثاری که خاورشناسان و قرآن‌پژوهان غیرمسلمان درباره قرآن و معارف والای آن در سال‌های اخیر تدوین نموده‌اند، دائرةالمعارف قرآن لیدن است. این دائرةالمعارف طبق بیان سرویراستار آن، خانم جیم دمن مک اولیف دارای هزار مدخل بوده و از سال ۲۰۰۰ میلادی تاکنون پنج جلد آن انتشار یافته است. نویسندگان قرآن‌پژوه این دائرةالمعارف، نظرات و دیدگاه‌های متفاوتی درباره موضوعات قرآنی نظیر مصدر قرآن، تاریخ جمع و تدوین آیات، ادبیات و ساختار قرآن، تحریف قرآن و معارف و محتوای قرآن کریم ابراز کرده‌اند که در برخی موارد، اصول و مبانی شیعه را مورد هجمه قرار داده، اظهار نظرهای بی‌پایه و اساس و غیر عالمانه‌ای را بیان داشته‌اند.

لذا این مقاله بر آن است با رعایت اصل انصاف و واقع‌نگری، به نقد علمی و محققانه دیدگاه‌های خاورشناسان و نویسندگان دائرةالمعارف قرآن لیدن بر اساس آرا و مبانی شیعه بپردازد تا سهمی در تبدیل فضای تاریک اتهام‌ها به فضای روش واقع‌نگری جامعه بشری به این کتاب آسمانی داشته باشد.

کلیدواژه‌ها: دائرةالمعارف قرآن لیدن، مبانی شیعه، عالمان شیعه، تفاسیر شیعه، خاورشناسان.

## مقدمه

قرآن کریم، بیانگر سخنان خداوند برای همهٔ انسان‌ها به‌ویژه بیش از یک میلیارد مسلمان جهان است. شنیدن آیاتش با صوتی دلنواز، دیدن کلماتش با خطی زیبا بر سردر مساجد و دیگر اماکن عمومی و لمس نمودن متن آن، احساس حضوری مقدّس را در اذهان و دل‌های انسان‌ها پدید می‌آورد.

قرن‌هاست کودکان مسلمان، تحصیلات رسمی خود را با قرآن آغاز می‌کنند و در فرهنگ دینی که تعلّم را می‌ستاید، افرادی که دانستن‌های والا و گسترده‌ای از قرآن فرامی‌گیرند، مورد احترام و تحسین فراوان واقع می‌شوند؛ با این حال می‌بینیم در پاره‌ای از معارف قرآنی، دیگران در عمل به آن بر ما پیشی جسته‌اند. پس از گذشت قرن‌ها، از یک سو با سیل تحریف‌های معنوی معارف قرآن و شبهات فراوان غربیان و شرق‌شناسان یهودی و مسیحی مواجه بوده‌ایم و از سوی دیگر هیچ پاسخ جدّی‌ای در جهان ارائه نکرده‌ایم، بلکه از ناحیهٔ دیگر شاهد آنیم که برخی ملل بیگانه در عمل به بعضی دستوره‌های اخلاقی قرآن، مانند نظم، پاکیزگی، پشتکار، امانتداری، ادای دین در تولید و روحیهٔ جمعی، از ما مسلمانان پیشی گرفته‌اند، و در برخی میدان‌های علمی و پژوهشی قرآنی نیز گوی سبقت را از عالمان دینی اسلام ربوده‌اند.

فلرگل آلمانی با تألیف معجم الفاظ قرآن به نام *نجوم آیات الفرقان* همهٔ محققان دینی حوزه‌ها را مهمان سفرهٔ خویش ساخت و *ژول لایوم فرانسوی*، با تألیف معجم موضوعی آیات قرآن به نام *تفصیل آیات القرآن الکریم*، مسئولیت تعلیم موضوعات قرآن کریم را برای طلب و فضلاء مسلمان جهان بر عهده گرفت و *گلدزیه‌ر یهودی و مجارستانی*، با تحقیق دربارهٔ روش‌های تفسیر مفسران قرآن کریم و تألیف کتاب *المذاهب التفسیریة للقرآن الکریم*، بر کرسی تدریس علوم قرآنی نشسته، دانش جدیدی را در علوم قرآن پایه‌گذاری کرد.

مستشرقان غربی، کشیشان مسیحی و خاخام‌های یهودی به اینها اکتفا نکردند، بلکه اکنون که عطش جامعهٔ بشری را برای لزوم دریافت اطلاعاتی جامع و منسجم دربارهٔ معارف قرآن - آخرین کتاب آسمانی خداوند - به صورت یک «دائرةالمعارف قرآنی» احساس کرده‌اند، قبل از علمای اسلام و مراکز پژوهشی قرآنی به این امر مهم دست یازیده‌اند و جمعی از آنها به رهبری یک خانم غربی به نام *جیم دَین مک اولیف* (Jame Dammen McAuliffe) استاد دانشگاه «جرج تاون امریکا» در مؤسسهٔ «بریل»<sup>\*</sup> در شهر لیدن هلند به تحقیق دربارهٔ معارف قرآن و تدوین مقاله‌های قرآنی اقدام کردند.

گفتنی است *دائرةالمعارف قرآن لیدن*، (Encyclopaedia of the Quran) طبق بیان سروراستار آن در مقدمهٔ *دائرةالمعارف*، دارای هزار مدخل خواهد بود و از سال ۲۰۰۰ میلادی تاکنون پنج جلد آن (حدود هفتصد مدخل) به زبان انگلیسی انتشار یافته است.

قرن‌هاست بسیاری از شرق‌شناسان و اسلام‌شناسان غیرمسلمان اعم از غربی و غیر آن، به پژوهش دربارهٔ قرآن پرداخته و راجع به مصدر قرآن، تاریخ جمع و تدوین آیات، ادبیات و ساختار آن و معارف و محتوای قرآن کریم نظریه‌های گوناگونی ابراز کرده و هزاران کتاب و مقاله منتشر کرده‌اند.

آنان گاه به تجلیل از قرآن و تبیین زیبایی‌ها و معارف و تعالیم والای آن پرداخته و گاه به دلیل عدم دسترسی مستقیم به منابع اسلامی، دچار برداشت‌های نادرست شده‌اند؛ چنان‌که احياناً برخی از آنان به تحریف یا اتهام‌های دروغین و تهاجم‌های غیرمنطقی دست زده‌اند.

\* مؤسسه «بریل» (Brill) در شهر لیدن هلند، یکی از مؤسسه‌های فرهنگی معروف در سطح جهان است که در عرصه‌های گوناگونی چون علوم اسلامی، ادبیات عرب و ادبیات فارسی گام‌های استوار و نمربخشی برداشته است.

۲۰۰۰ میلادی تاکنون پنج جلد آن به زبان انگلیسی چاپ و منتشر شده است، اما تعداد کل مدخل‌های این پنج جلد ۶۸۴ مدخل می‌باشد. ظاهراً باقی مدخل‌های دائرة المعارف قرآن لیدن در جلد‌های بعدی آن چاپ و منتشر خواهد شد.

اعضای اصلی هیئت تحریریه و ویراستاران دائرة المعارف قرآن لیدن عبارتند از:

۱. سرپرست و سروراستار: خانم جیم دمن مک اولیف، استاد تاریخ و ادبیات عرب دانشگاه جرج تاون امریکا (واشنگتن دی. سی.)
۲. اعضای اصلی انجمن ویراستاران: کلود ژیلیو (Claude Gilliot) از دانشگاه آیگس. ان. پروانس، ویلیام گرامام (William A. Graham) از دانشگاه هاروارد امریکا، ودد کدی (وداد قاضی) (Wadad Kadi) از دانشگاه شیکاگو امریکا و آندرو ریپین (Andrew Rippin) از دانشگاه ویکتوریا؛

۳. ویراستاران فرعی: مونیک برناردز و ولیجمن (Monique Bernards, Vlijmen) از دانشگاه گرونینگن هلند و نیز جان نواس (John Nawas) از دانشگاه کاتولیک لیوون؛

۴. مشاوران ارشد: نصر حامد ابوزید (Nasr Hamid Abu-Zayd) از دانشگاه لیدن هلند، محمد آرکون (Mohammed Arkoun) از دانشگاه سربین فرانسه، جرهارد بوررینگ (Gerhard Bowering) از دانشگاه ییل امریکا، جرالدهاوتینگ (Gerald Hawthing) از دانشگاه لندن، فردریک لیم هاورس (Frederik Leemhuis) از دانشگاه گرونینگن، آنجلیکا نیورث (Angelika Neuwirth) از دانشگاه آزاد برلین و یوری ربین (Uri Rubin) از دانشگاه تل آویو؛

جای بسی شگفتی است که در این دائرة المعارف، هیچ نشانی از قرآن پژوهان ایرانی مشاهده نمی‌شود و در فهرست منابع که در آغاز کتاب و تحت عنوان (SHORT TITLES) (مشمول بر ۱۵ صفحه) آمده، به تفاسیر شیعی و آثار

حجم انبوه این آثار قرآن پژوهشی قرآن‌شناسان غربی در سطح جهان و تأثیرگذاری منفی آن بر اذهان تشنه جامعه بشری و اسلامی، نقدی علمی می‌طلبد تا سره را از ناسره تفکیک و پاسخی منطقی به اشکال‌های مستشرقان ارائه کند.

نقد حاضر، گامی است در مسیر انجام این رسالت تا سهمی در تبدیل فضای تاریک اتهام‌ها به فضای روشن واقع‌نگری جامعه بشری، به این کتاب آسمانی داشته باشد. در این کار با الهام از آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ تُهَدَاءً يَلْقَىٰ بِالسُّبُطِ وَلَا يَجْرِبَنَّكُمْ شَتَاَنَ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَغْدِرُوا اءِغْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ» (مانند: ۸)\* کوشیده‌ایم اصل انصاف و واقع‌نگری را رعایت کنیم و دشمنی آنان با ما موجب نادیده گرفتن کمالات و ویژگی‌های مثبت کارشان نشده است.

#### ۱. معرفی دائرة المعارف قرآن لیدن\*\*

کتاب دائرة المعارف قرآن جدیدترین اقدام علمی و فرهنگی‌ای است که گروهی از خاورشناسان درباره معارف والای قرآن انجام داده‌اند. این گروه که متشکل از تعداد زیادی از پژوهشگران و قرآن‌شناسان مسیحی و یهودی و برخی از دانشمندان مسلمان بود، در شهر لیدن هلند به تألیف این دائرة المعارف ویژه قرآن اقدام نمودند. ابتکار این پروژه و سرپرستی آن بر عهده خانمی غربی به نام جیم دمن مک اولیف، استاد تاریخ و ادبیات عرب دانشگاه دائرة المعارف گذاشته شد تا او و همکارانش این مجموعه را در پنج جلد به جهانیان عرضه کنند. از سال

\* «و البته نباید دشمنی گروهی شما را بر آن دارد که عدالت نکند؛ عدالت کنید که آن به تقوا نزدیک‌تر است و از خدا پروا دارید که به آنچه انجام می‌دهید آگاه است.»

\*\* برای معرفی دائرة المعارف قرآن لیدن، رک به: اسکندرو، ۱۳۸۲، ص ۲۸۵-۲۶۷ / رضایی اصفهانی، ۱۳۸۵، ص ۷۰-۴۳ / کریمی‌نیا، ۱۳۸۰، ص ۳۶-۳۵ / همو، ۱۳۸۳، ص ۳۲-۳۱ / بهار دوست، ۱۳۸۲، ص ۵۱-۵۳.

پژوهشگران ایرانی، کمتر توجه شده است.

به لحاظ موضوعی، این میراث غنی علمی، مقالاتی را به ترتیب حروف الفبا درباره محتویات قرآن و مهم‌ترین موضوعات آن بر اساس ساختار مطالعات قرآنی به صورت گسترده تنظیم کرده است.

این اثر، افزون بر آنکه نوعی لغت‌نامه بسیار گسترده درباره اصطلاحات، مفاهیم، شخصیت‌ها، اسامی مکان‌ها و تاریخ فرهنگ قرآنی است، همچنین تفسیر مختصری از مطالعه تخصصی قرآن در آغاز قرن بیست و یکم به شمار می‌آید که به زبان اروپایی منتشر می‌شود. دائرة المعارف قرآن، واژگان مدخل‌ها را به زبان انگلیسی به کار می‌برد تا فهم آن برای مطالعه‌کنندگان متون مقدس، تاریخ قرون وسطایی (ادوار میانه)، ادبیات تطبیقی و علوم اجتماعی و حتی برای متخصصان عربی و مطالعات اسلامی روشن‌تر باشد.

گزینش و نامگذاری مدخل‌های این دائرة المعارف، به شیوه‌ای دقیق و قابل استفاده برای عموم خوانندگان و با بهره‌گیری از تجربه دائرة المعارف اسلام (EI) به انجام رسیده است؛ توضیح اینکه مدخل‌های دائرة المعارف اسلام (EI) بر مبنای تلفظ عربی آنها آوانگاری شده است.

به نظر خانم مک اولیف، سرویراستار دائرة المعارف قرآن (EQ)، این شیوه برای خوانندگان غیر عرب‌زبان و کسانی که در محیط‌های عربی اسلامی پرورش نیافته‌اند، ابهام ایجاد می‌کند و آنان را در فهم معنای آن مدخل دچار زحمت و اشکال می‌کند؛ لذا هیئت ویراستاران این دائرة المعارف، نهایت کوشش خود را به کار گرفته‌اند تا حد امکان از معادل‌های لاتین متداول در متون مذهبی و ادبی غربیان بهره‌گیرند؛ برای مثال به جای متشابه (Mutashabeh) از Ambiguous، به جای نسخ (Naskh) از Abrogation، به جای اعجاز (I'jaz) از Inimitability و به

جای اصطلاح علائم آخرالزمان از Apocalyps استفاده کرده‌اند. در مورد اعلام و اسامی خاصی که در متون مذهبی‌شان به کار رفته است، به همین شیوه عمل کرده، این اسامی را بر مبنای تلفظ عربی‌شان آوانگاری نکرده‌اند؛ مانند دارود (David)، هارون (Aaron)، حبشه (Abyssinia)، یعقوب (Jacob)، ایروب (Job)، یاجوج و ماجوج (Gog and Magog)، اسکندر (Alexander)، اسحاق (Isaac) و عیسی (Jesus)، البته اگر اسم خاص یا اصطلاحی که به عنوان یک مدخل به کار گرفته شده، معادلی در زبان لاتین نداشته باشد، بر مبنای تلفظ عربی‌اش آوانگاری شده است؛ مانند همه نام‌ها و اسامی خاص مربوط به حوزه اسلام، نظیر علی بن ابیطالب، ابوبکر، حمزه بن عبدالمطلب، فاطمه و کعبه که در متون مقدس غربیان به کار نرفته، و اصطلاحاتی نظیر جنّ، مصحف، معتزل، ناموس، حنیف، اسلام، برزخ و بسمله که تنها در حوزه اسلام مطرح شده است.

حجم مقالات و کوتاهی و بلندی آنها، در نگاه اول متناسب به نظر نمی‌رسد و حتی ممکن است گزینش برخی مدخل‌ها در این دائرة المعارف شگفتی ما را برانگیزد؛ اما باید توجه داشت دائرة المعارف قرآن (EQ) از سوی قرآن‌پژوهان غربی و در محیط مطالعاتی خاص آنان با گرایش‌های ویژه خود تألیف شده است (بهاردوست، ۱۳۸۲، ص ۵۲ / کریمی‌نیا، ۱۳۸۰، ص ۳۵-۳۶).

#### ۱.۱. هدف خاورشناسان از تدوین دائرة المعارف قرآن لیدن

خانم جیم دمن مک اولیف، مسئول و سرویراستار این دائرة المعارف، درباره انگیزه و تاریخچه تألیف آن می‌نویسد:

برنامه‌ریزی برای این دائرة المعارف قرآن (EQ) در سال ۱۹۹۳ میلادی هنگامی آغاز شد که در لیدن با یک ویراستار بسیار عالی به نام پری بیرمن ملاقات کردم تا امکان شروع چنین پروژه‌ای را بررسی

مفسران قرآن مانند طبری و فخر رازی، بخش مستقلی نخواهد داشت؛ اما ارجاع‌هایی به آنها خواهد داشت.

۵. گسترده‌ترین شعاع ممکن از یک تحقیق علمی موشکافانه درباره قرآن، در دائرةالمعارف می‌گنجد.

۶. استفاده از روش‌ها و دیدگاه‌های متفاوت در لابه‌لای دائرةالمعارف، یک اقدام عمدی بوده است (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۵، ص ۵۸).

## ۲. نقد دائرةالمعارف قرآن لیدن\*

### ۲-۱. ویژگی‌های مثبت دائرةالمعارف قرآن لیدن

۲-۱-۱. انصاف و عدم تعصب در گزارشگری برخی مقاله‌ها: برخی از نویسندگان مقاله‌های این دائرةالمعارف، واقعاً انصاف را رعایت کرده، دیدگاه‌های مسلمانان را در مواردی که ضدّ نظر مسیحیان بوده، به صورت کامل نقل کرده‌اند؛ نه آن را تحریف کرده و نه ناقص نقل نموده‌اند. این روحیه واقعاً قابل ستایش است؛ برای نمونه خانم جیم دمن مک اولیف، مدیر کل و سروراستار این دائرةالمعارف را می‌توان نام برد.

مک اولیف در مقاله «فاطمه علیها السلام» (MCAaliffe, 2000, Vol.2, p. 192) به جلوه‌هایی از کمالات آن حضرت، مانند: نزول آیه تطهیر، آیه مباحله، تأویل آیه برگزیدگی حضرت مریم علیها السلام در آیه ۴۲ آل عمران در شأن آن حضرت، نظر شیعیان در مورد برتر بودن حضرت فاطمه علیها السلام بر همه زنان جهان، مظلومیت ایشان و نیز تحلیل باطنی برخی از دانشمندان مسیحی در مورد ارتباط حضرت مریم علیها السلام با حضرت فاطمه علیها السلام می‌پردازد.

\* برای نقد دائرةالمعارف قرآن لیدن، رک به: زمانی، ۱۳۸۲، ص ۷۹-۱۰۴ / رضایی اصفهانی، ۱۳۸۵، ص ۴۳-۷۰ / زمانی، ۱۳۸۵، ص ۴۹۱-۵۴۳.

کنیم. خیلی زود چهار دانشمند درجه یک، یعنی: ددکدی، کلود ژیلیو، ویلیام گراهام و آندرو ریپین موافقت خود را جهت پیوستن به هیئت تحریریه اعلام کردند.

هدف این بود که اثر مرجعی را به صورت بهترین توفیق قرن در باب پژوهش‌های قرآنی ارائه دهیم، و نیز می‌خواستیم این دائرةالمعارف، زمینه تحقیق گسترده‌تری در باب قرآن در دهه‌های آتی فراهم آورد. آرزوی مهم‌تر، در دسترس قرار دادن گنجینه گسترده پژوهش‌های قرآنی برای طبقه عالمان متخصص و نیز فرهیختگان بود؛ البته می‌توان گفت: مخاطبان این دائرةالمعارف، خوانندگان عمومی اعم از مسلمان و غیرمسلمان می‌باشند.

در هر صورت، تهیه آن به صورت نخستین مرجع درباره قرآن به زبان اروپایی برای همه کتابخانه‌های عمومی و تخصصی لازم و ضروری است (اسکندرو، ۱۳۸۲، ص ۲۷۰).

### ۲-۲. رویکردهای خاورشناسان در دائرةالمعارف قرآن لیدن

۱. دائرةالمعارف، هم به آینده نگریسته و هم به گذشته و این بینش دوجانبه، ساختمان این دائرةالمعارف را شکل داده است.

۲. قالب‌های الفبایی پیش‌بینی شده دائرةالمعارف، گسترش می‌یابد تا شامل مقالات طولانی و مبسوط شود.

۳. ضمن احترام به دستاوردهای قرن گذشته، موفقیت‌های این قرن را نیز ترویج می‌کند.

۴. دائرةالمعارف قرآن شامل تفسیر قرآن نمی‌شود؛ از این رو حتی در مورد

قرآن و رد اشکال‌های مخالفان نموده است؛ حال آنکه واقعاً نباید هیچ‌گونه انتظار دفاع از قرآن را از یک مسیحی یا یهودی داشت؛ برای نمونه نیریای در مقاله‌ای تحت عنوان «تحریر» (Ibid, vol.2, p.242) نوشته است:

روشن است که موضوع تحریر، از مناسب‌ترین سوزدهایی است که مستشرقان مغرض به جمع‌آوری شواهد، اعترافات و روایات ضعیف کتاب‌های مسلمانان برای اثبات وقوع آن پرداخته‌اند؛ اما نویسنده این مقاله واقعاً نجابت و صداقت خویش را در تحقیق و تألیف نشان داده است. وی پس از ارائه اطلاعاتی در مورد معنا و انواع تحریر و نقل تحریر کتاب‌های یهود و نصاری در قرآن، به دیدگاه مسلمانان درباره تحریر قرآن پرداخته و می‌نویسد: «سنی‌ها و شیعیان هر یک دیگری را متهم به تحریر کرده‌اند. ... تمام تلاش‌هایی که در جهت متهم ساختن شیعه به فراهم آوردن قرآنی دیگر انجام گرفته، با شکست مواجه شده است و هر دو فرقه شیعه و سنی در تمام مراسم و اهداف دینی خود از قرآنی واحد استفاده می‌کنند» (Ibid, vol.2, p.242).

#### ۲-۲. اشکالات دائرةالمعارف قرآن لیدن

۲-۲-۱. توضیح الفاظ به جای توضیح معارف: نویسندگان این دائرةالمعارف، معمولاً تحت هر عنوان و مدخلی، به ترجمه آن واژه قرآنی، تعداد تکرار آن واژه در قرآن و احیاناً بیان تفاوت موارد کاربرد آن پرداخته و به همان اکتفا کرده‌اند؛ برای نمونه، واژه هدایت و گمراهی از واژه‌های کلیدی قرآن کریم است، به صورتی که اگر معارف عمیق قرآنی مربوط به این دو واژه واقعاً برای خوانندگان محقق غیرمسلمان تبیین شود، مورد پسند و قبول بسیاری قرار خواهد گرفت؛ اما ذیل

لحن این مقاله، دقیقاً لحن گزارشگری منصف و بی‌طرف است که به انعکاس اطلاعات خویش در مورد عقیده مسلمانان درباره حضرت فاطمه علیها السلام پرداخته است؛ تا آنجا که یک خواننده مسلمان با خواندن آن مقاله لذت می‌برد.

۲-۱-۲. دعوت از برخی نویسندگان مسلمان: یکی از ویژگی‌های مثبت دائرةالمعارف قرآن لیدن، دعوت از برخی نویسندگان مسلمان برای نوشتن مقاله‌های قرآنی است. بالطبع یک دانشمند مسلمان نه تنها مطالب و مقاصد قرآن را واقع‌بینانه‌تر از غیرمسلمانان فهمیده و برای مخاطبان توضیح می‌دهد، بلکه به طرح مواردی از معارف قرآنی که احیاناً دلایل و مؤیداتی از خارج قرآن دارند، می‌پردازد که هم برای تقویت بینش مسلمانان و هم برای توجیه معقول معارف نزد خوانندگان غیرمسلمان مفید خواهد بود.

از جمله نویسندگان مسلمان که در دائرةالمعارف قرآن لیدن به کار گرفته شده‌اند، می‌توان به: علی آسایی، محمد آرکون، ابوفضل محسن ابراهیم و نصر حامد ابوزید اشاره کرد.

برای نمونه، آقای ابوفضل محسن ابراهیم در مقاله «زیست‌شناسی و آفرینش و مراحل حیات» (Ibid, vol.1, p.229) در تفسیر آیه ۲۰ سوره عبس، درباره سیر منظم متولد شدن یک جنین، طبق برنامه‌ریزی حکیمانه خداوند، مطالبی از یافته‌های دانش جنین‌شناسی ارائه می‌دهد که بسیار جالب توجه است.

همچنین، آقای علی رسایی، نویسنده مقاله «علی بن ابیطالب» (Ibid, vol.1, p.62) در این دائرةالمعارف که به نظر می‌رسد محقق مسلمان و شیعه باشد، این مقاله را به رغم اختصار، جداً خوب و بدون اشکال تألیف کرده که جای قدردانی دارد.

۲-۱-۳. دفاع از ساحت قرآن: دائرةالمعارف در برخی مقاله‌ها، اقدام به دفاع از

پرهیز از طرح زیبایی‌های جذاب قرآن؛ برای نمونه جریل بل در مقاله «حدیث و قرآن» (Ibid, vol.2, p.376-396) که در جلد دوم، حدود سی صفحه بزرگ دائرةالمعارف قرآن لیدن را به خود اختصاص داده است و در پایان مقاله، اسامی ده‌ها کتاب و مأخذ آن، دو ستون کامل را فراگرفته، فقط به دو کتاب از منابع شیعی مراجعه کرده است؛ یکی اصول کافی و دیگری بحارالانوار؛ البته مراجعه به این دو کتاب هم، نه به دلیل تحقیق واقعی و کشف آرای حدیثی شیعه نسبت به قرآن، بلکه با هدف جستجوی نقاط ضعف بوده است؛ زیرا چهار یا پنج موردی که به بحارالانوار استناد شده است، دقیقاً موارد ضعیفی است که از نظر شیعه مردود است (برای توضیح بیشتر، رک به: عنوان «غرض‌ورزی»).

عدم ذکر تعداد دیگری از کتاب‌های اصلی و منابع شیعه در قرآن و حدیث، یکی از ضعف‌های علمی این دائرةالمعارف است که حداقل ناشی از غفلت یا ضعف علمی نویسنده می‌باشد.

۲-۳. استناد بسیار به نویسندگان غربی و اقتباس از دائرةالمعارف اسلام لیدن؛ میزان ارزش علمی هر مقاله و کتاب، بستگی به چند عامل دارد که یکی از مهم‌ترین آنها، میزان مستند بودن مطالب به مأخذ و منابع معتبر اولیه موضوع مربوطه است؛ چنان که تحقیق و قلم‌فرسایی درباره معارف و اندیشه‌های پیروان یک دین، قطعاً باید متکی بر کتاب‌های معتبر و پذیرفته‌شده پیروان آن دین باشد.

متأسفانه نویسندگان برخی مقاله‌های دائرةالمعارف قرآن لیدن اظهار نظرهای مهم را مستند به کتاب‌ها و آثار مستشرقان غربی نموده‌اند؛ طبیعی است که اینگونه مقاله‌ها نمی‌توانند نام تحقیق علمی و اظهار نظر را به خود بگیرند، بلکه نقل‌نامه‌ای هستند که از دیگر صاحب‌نظران وام گرفته شده‌اند.

عنوان گمراهی (Ibid, vol.2, p.43) به ترجمه و تعداد تکرار آن اکتفا شده است؛ حال آنکه مطالب مهم‌تری نسبت به این مدخل در معارف قرآنی وجود دارد که شایسته بود نویسنده محترم، آنها را نیز گزارش می‌کرد.

۲-۲. کم‌توجهی به آرا و منابع قرآنی شیعه؛ مستشرق و قرآن‌پزوه غربی در صدد انعکاس آرای مسلمانان در هر موضوع دینی و قرآنی است و انتظاری که از او می‌توان داشت، صرف گزارشگری است، نه اظهار نظر حاصل از تأمل و تحقیق شخصی خودش (البته در بسیاری از موارد که خودشان لازم دانسته‌اند، به اظهار نظرهای فراوانی مبادرت نموده‌اند)؛ و از طرفی، اکثریت جمعیت مسلمانان اهل سنت‌اند که انعکاس نظر آنها لازم است، اما حدود یک چهارم از کل امت را شیعیان تشکیل می‌دهند؛ پس وظیفه یک گزارشگر، توجه به آرا و منابع دینی و قرآنی آنان و منعکس نمودن آنها در مقاله‌های خود نیز هست؛ هر چند یک چهارم از حجم مقاله را در بر بگیرد.

علاوه بر این، اندیشه دینی شیعه، به دلیل دو عنصر عقلگرایی و فراگیری دانش دینی از امامان معصوم علیهم‌السلام - به جای صحابه و تابعین غیر معصوم - دارای تفکر، برداشت و تحلیل‌های ناب‌تر و عقل‌پسندتری راجع به مسائل اسلامی و قرآنی است؛ و ویژگی عقلگرا بودن یک مستشرق غربی، باید به صورت طبیعی، وی را به سوی توجه و اهتمام بیشتر به نظرات شیعه بکشاند، اما متأسفانه دائرةالمعارف قرآن لیدن در برخی مقاله‌ها، آن هم بسیار اندک به منابع و نظر شیعه توجه کرده است که این روش، علاوه بر اینکه نقص متدیک و روش‌شناختی دارد، یک نوع ابزار و روشی برای امساک از عرضه زیبایی‌های فرهنگ اسلام و قرآن به مردم مغرب‌زمین است. امید است این امساک روی ضعف اطلاعات و مطالعات علمی و عدم دسترسی به منابع شیعه باشد، نه از روی تعصب، عناد و

کلود ژیلیو در مقاله مفصل ۲۴ صفحه‌ای خود، در *دائرة المعارف قرآن لیدن* تحت عنوان «تفسیر قرآن در دوره کلاسیک و ادوار خاورمیانه» (Ibid, vol.2, p.99-124) با آنکه از مآخذ اسلامی هم بهره گرفته است، ولی در اظهار نظرهای کلیدی و مهم خویش به آثار غربیان ارجاع داده است؛ موارد ذیل از آن نمونه‌اند:

۱. زیر عنوان مشروعیت و اعتبار تفاسیر قرآنی، از اختلاف مسلمانان صدر اسلام در مورد مشروعیت تفسیر گزارش می‌کند و سپس راجع به تحلیل آن، نظرانی از چهار نفر ذیل نقل می‌کند که یک نفر آنان از مسلمانان اهل سنت و سه نفرشان غیرمسلمان و بالطبع فاقد اطلاعات مستقیم از قرآن و تفسیرند: سیوطی در الاتقان، برکلند، آبرت (Abbott) و ریپین.

اینگونه ارجاع‌ها در حالی صورت می‌گیرد که مفسران بزرگ و قرآن‌پژوهان مسلمان، در مقدمه تفاسیر خویش یا در کتاب‌های علوم قرن به اظهار نظر مفصل و تحلیل دقیق در این موضوع پرداخته‌اند که شایسته بود نظر آنها در این مقاله نقل می‌شد.

۲. اکثر عبارات‌های صفحه اول مقاله کلود ژیلیو دقیقاً کلیشه عبارت‌های صفحه اول مقاله آندرو ریپین است و با این عبارت شروع می‌شود: «تفسیر که واژه‌ای عربی است، به معنای توضیح، تبیین و تشریح است و...».

۳. آندرو ریپین در صفحه ۸۳ می‌نویسد: «نویسندگان شیعی از قبیل طوسی و طبرسی، در تفسیر خود نمونه‌های کامل و جامعی از گزارش معتزلی را ارائه داده‌اند».

در مقاله کلود ژیلیو همین سخن اشتباه، بدون تحقیق راجع به صحت و سقم آن، دقیقاً تکرار شده است.

۴-۲. ضعف علمی برخی از نویسندگان *دائرة المعارف قرآن لیدن*: هر نویسنده‌ای

در صورتی می‌تواند مقاله‌ای عالمانه بنگارد که هم اطلاعات جامعی درباره آن موضوع داشته باشد و هم اکثر منابع مهم در آن موضوع را مطالعه کرده باشد؛ اما یک مستشرق، معمولاً به دلیل مسلمان نبودن و عدم حضور در فضای فرهنگ اسلامی، فاقد شرط اول است؛ گذشته از اینکه کتابخانه‌های مراکز شرق‌شناسی اروپا دارای همه منابع مهم و کلیدی درباره هر موضوع اسلامی و قرآنی به اندازه کتابخانه‌های کشورهای اسلامی نیستند. اکنون، اگر یک مستشرق با وجود این دو محدودیت قهری، خود توان جستجو و تتبع کامل در مورد همه مآخذ و منابع مهم موجود در کتابخانه‌های مورد دسترسی را نداشته باشد و به مطالعه برخی از آنها قناعت کند، حتماً مقاله‌ای خام ارائه خواهد داد. ضعیف بودن برخی مقاله‌های *دائرة المعارف قرآن لیدن* را می‌توان در عدم ذکر برخی مطالب مهم درباره موضوع هر مقاله مشاهده کرد. موارد ذیل از آن نمونه‌اند:

الف) مصداق مطهرون؛ رابرت ویسنو اسکای در مقاله «کتاب آسمانی» (Ibid, vol.2, p.412) به معرفی انواع و مصادیق کتاب آسمانی می‌پردازد. او ضمن اینکه یکی از ویژگی‌های کتاب مکنون را عدم دسترسی ناپاکان (غیر مطهرین) به آن می‌شمرد، به معرفی مطهرون و پاکیزگان از دیدگاه مسلمانان پرداخته، می‌نویسد: «آنان همان فرشتگانی هستند که در برابر هر تغییر و تصرفی، از آن کتاب محافظت می‌کنند».

آقای رابرت این نظریه را که فقط یکی از احتمالات نقل شده در تفاسیر است، نقل نموده است، در حالی که اگر به دهها تفسیر بزرگ قرآن مراجعه می‌کرد، با دیدگاه‌های دیگر و جالب‌تری مواجه می‌شد که شایسته بود رابرت آن را گزارش می‌کرد؛ برای مثال علامه طباطبایی، بزرگ‌مفسر معاصر شیعه، در *المیزان سه معنا*



تعمدی آگاهانه در ایجاد شبهه و وارد کردنِ تهمت بر اسلام یا مسلمانان است. در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۲-۳-۴. اتهام کتایی داستان «افک» به شیعه: دنیس ای اسپیل برگ در مقاله خود با عنوان «عایشه» (Ibid, vol.1, p.55) به نقل موضوع قذف و تهمت به عایشه در قرآن می‌پردازد؛ در حالی که تمام فرقه‌های اسلامی، اعم از شیعه و اهل سنت در تبرئه و پاکدامنی عایشه از تهمت ناروای جنسی اتفاق نظر دارند و تاکنون هیچ دانشمند شیعه و سنی رأی مخالفی ابراز نکرده است. این نویسنده، اسلام‌شناس و قرآن‌شناس غرب، متأسفانه به گونه‌ای مسئله قذف عایشه را مورد اختلاف فریق اسلامی معرفی می‌کند و فقط نظر اهل سنت را بر تبرئه وی یادآور می‌شود که خواننده به طور طبیعی چنین برداشت می‌کند که گروه مخالف در این مسئله، شیعیانند که معتقد به عدم طهارت وی هستند. وی چنین می‌نویسد:

در باب اتهام زنا، اختلاف میان فرقه‌های اسلامی در دنیای اسلام سنتی در هیچ موردی مشهورتر از مسئله تفسیر قرآن در ارتباط با اتهام زنا علیه عایشه در سال پنجم هجری نبوده است... اهل سنت این آیات را به لحاظ تاریخی اشاره به کذب و تهمت علیه عایشه می‌دانند، در حالی که این آیات صریحاً مربوط به مجازات سنگین برای کسانی است که بدون اقامه بی‌ینه چهار شاهد، اتهام را شایع می‌سازند.

شایسته بود نویسنده محترم این مقاله، قبل از قلم زدن در یک دائرةالمعارف تخصصی، حداقل به تفسیر المیزان مراجعه می‌کرد تا با نظر فرقه‌های اسلامی غیر اهل سنت نیز آشنا می‌شد.

علامه طباطبایی از بزرگ‌ترین مفسران معاصر شیعه، در تفسیر المیزان ذیل

آیه «افک» چند نکته مهم را بیان می‌کند:

الف) روایات کتب اهل سنت شأن نزول آیه «افک» را مربوط به عایشه می‌دانند، اما احادیث شیعه شأن نزول آیه را مربوط به همسر دیگر پیامبر ﷺ، ماریه قبطیه می‌دانند و معتقدند اصلاً ربطی به عایشه ندارد؛ بنابراین طبق روایات شیعه، عایشه اصلاً مورد اتهام هم قرار نگرفته است.

ب) پاکیزگی و تبرئه همسران پیامبر ﷺ آنقدر نزد شیعه قطعی است که حتی نیازی به نزول آیه برای تبرئه آنها ندارد؛ زیرا شیعه معتقد است یکی از شرایط نبوت هر پیامبر، پاکیزه بودن همسران پیامبر از اینگونه آلودگی‌هایی است که جایگاه اجتماعی و مقبولیت عمومی پیامبر را در جامعه خدشه‌دار می‌کند؛ بنابراین هم عایشه، هم ماریه و هم بقیه همسران پیامبر اکرم ﷺ به دلیل عقل، نزد شیعه مبرا و منزه از این آلودگی‌ها هستند.

ج) پیامبر اکرم ﷺ نیز شکی در طهارت همسر مورد اتهامش پیدا نکرد و روایات اهل سنت که گزارش‌دهنده شک پیامبرند، به نظر شیعه صحیح نیست؛ زیرا آن حضرت، هم بر اساس استدلال عقلی فوق، یقین به پاکی آنان داشت و هم به دستور حسن ظن که در آیات سوره نور خودش برای مردم قرائت کرده بود: «لَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بِأَنفُسِهِمْ خَيْرًا وَقَالُوا هَذَا إِفْكٌ مُّبِينٌ» (نور، ۱۲)؛ چرا آن‌گاه که شما مردان و زنان مؤمن آن خبر را شنیدید، حسن ظن به خود را اعمال نکردید؟ [بنابراین] ایشان بیش از دیگران التزام عملی داشته و قطعاً با آن مخالفت نکرده است؛ از این‌رو شیعه معتقد است روایات اهل سنت مشتمل بر اهانت به رسول خدا ﷺ است و خود از آن پرهیز دارد.

د) به نظر شیعه، قذف و تهمت زنا به همسر پیامبر ﷺ یک دروغ محض بوده که از ناحیه منافقان، مانند عبدالله بن ابی مطرح شده، و تمام شیعیان به شدت با

آن مخالف بوده و تهمت‌زندگان را محکوم کرده‌اند (طباطبایی، ۱۳۹۳، ج ۱۵، ص ۱۰۶-۸۹).

۲-۳-۲. گزینش موضوع آیات شیطانی و «افک» به عنوان بهترین مثال شأن نزول آیات قرآن؛ جوئیل بل در مقاله «حدیث و قرآن» (Ibid, vol.2, p.376-396) مقاله مفصل و بیست صفحه‌ای خود، موضوعات متعددی را به بحث گذاشته است. او ذیل عنوان نقل‌هایی تاریخی درباره اسباب نزول، پس از توضیحاتی خواسته است چند نمونه از شأن نزول‌ها را ذکر کند، اما متأسفانه از بین صدها شأن نزول آیات قرآن که در کتاب‌های اسباب التنزیل (ر.ک. به: حجتی، ۱۳۷۴) ذکر شده، سراغ موارد زیر رفته است:

۱. مهم‌ترین اسباب نزول، شاید حدیث «افک» باشد که مسئله تهمت زدن به عایشه را مطرح می‌کند و آیه‌ای در قرآن در این باره وجود دارد.  
۲. آیات اول تا بیستم سوره نجم که در ضمن آن، نام سه بت لات، منات و عزی را ذکر می‌کند و به همین جهت، پیامبر ﷺ مورد سرزنش جبرئیل قرار می‌گیرد؛ چرا که آن قسمت، از القائنات شیطان بوده است؛ و کتاب آیات شیطانی سلمان رشدی بر همین مبنا نوشته شده است.

بدیهی است انتخاب این دو موضوع رنج‌آور که اولی عامل تفرقه و کینه‌توزی بین شیعه و اهل سنت گشته و دومی زمینه سوء استفاده دشمنان اسلام و طرح مسئله آیات شیطانی را فراهم کرده است، نمی‌تواند کاملاً تصادفی باشد.

۲-۳-۳. بزرگ‌نمایی نقاط ضعف کتاب‌های شیعه و نسبت دادن آنها به کل شیعیان؛ بدیهی است کتاب‌های تألیف شده عالمان هر مذهب، ممکن است دارای برخی نظرات شاذ و اختصاصی خود نویسندگان آنها باشد؛ زیرا هر نویسنده‌ای حق دارد برداشت، استنباط و رأی شخصی خویش را درباره هر موضوع دینی در کتاب خود

ارائه دهد، اما منطقی نیست هر نظر و رأی ارائه شده در کتاب‌های مزبور را به اصل مذهب آنان نسبت دهیم؛ چرا که اینگونه نسبت‌ها از ادب تحقیق و انصاف و بی‌طرفی دور بوده، نوعی فریبکاری و تحریف است.

این دقت و احتیاط زمانی برای یک محقق گزارشگر ضرورت بیشتری می‌یابد که با یک کتاب جامع احادیث مواجه شود؛ در این صورت، نه تنها نمی‌توان مضمون هر یک از آن احادیث را به آن مذهب مربوط نسبت داد، بلکه نمی‌توان آن را حتی به اعتقاد خود نویسنده آن کتاب نیز منتسب نمود؛ زیرا چه بسیار محدثانی که در صدد جمع‌آوری کل احادیث مربوط به موضوعات مورد نظر بوده و احادیث موافق، مخالف، صحیح و ضعیف را جهت استفاده و مراجعه محققان و حدیث‌شناسان گردآوری کرده‌اند تا از معرض نابودی نجات یابند و محققان بعدی به نقادی آنها بپردازند.

اکنون اگر گزارشگری خارجی با وقوف به این ادب تحقیق، برای معرفی عقاید یک مذهب به صرف اظهارات یا احادیث نقل شده در کتاب‌های برخی از عالمان آنها بسنده کند، بلکه با فراتر گذاشته و فقط به گزینش احادیث ضعیف و شاذ بپردازد، چه انگیزه‌ای جز غرض‌ورزی، تخریب و مشوش کردن چهره علمی آن مذهب می‌تواند داشته باشد؟

برای نمونه، عبارت‌های زیر، در معرفی عقاید مذهب شیعه نسبت به معارف قرآن از قلم جوئیل بل در دائرة المعارف قرآن آمده است. وی می‌نویسد:

شیعیان عقاید خاصی درباره قرآن دارند، مانند:

- تدوین‌کننده اصلی قرآن علی علیه السلام بوده است؛

- سوره احزاب طولانی‌تر از سوره بقره بوده و تحریف شده است

(مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۸۹، ص ۲۸۸)

- شیعیان، قرائات سبع (هفت قرائت) را تأیید شده آسمانی دانسته‌اند که فقهای اسلامی بر اساس آنها می‌توانند در یک مسئله هفت گونه فتوا دهند (همان، ص ۴۹).

این سه مطلب، بخشی از ادعاهایی است که جویل بل در مقاله «حدیث و قرآن» (McAuliffe, Ibid, vol.2, p.376-396) به شیعه، به‌ویژه به کتاب بحارالانوار نسبت می‌دهد.

#### نقد و بررسی

۱. بحارالانوار متن اعتقادی رسمی شیعه نیست و تمام مطالب آن نیز مورد قبول شیعه نمی‌باشد، بلکه به تصریح علمای بزرگ شیعه، دائرةالمعارفی روایی است که اکثر روایات شیعی، اعم از صحیح و ضعیف را گردآوری کرده که عالمان بعدی به نقد علمی و تفکیک صحیح از ضعیف آنها پردازند. ادب علمی، اخلاق نویسندگی و صداقت و امانت در دائرةالمعارف نویسی اقتضا می‌کند هیچ‌گاه نویسنده‌ای هر مطلب و روایت موجود در آن کتاب را به مذهب شیعه و پیروان مذهب نسبت ندهد، بلکه برای کشف عقاید شیعه در هر موضوع، به کتاب‌های تخصصی و علمی درباره همان موضوع که توسط عالمان بزرگ شیعه نگاشته شده و مورد تأیید همگان یا اکثریت شیعه است، مراجعه نماید.

۲. علاوه بر این، اگر احیاناً نویسنده این مقاله بر آن بود که کتاب‌های حدیثی شیعه را معرفی کند، چرا بین آن همه جوامع حدیثی قوی شیعه، مانند کتب اربعه (کافی، تهذیب، استبصار و من لا یحضر الفقیه) و کتاب‌های تفسیری حدیثی، مانند نورالقلین تألیف حوزوی و البرهان تألیف سیدهاشم بحرانی و مشابه آن را که تقریباً احادیث مورد قبول اعتقادشان را جمع‌آوری کرده‌اند، رها کرده و به گزینش

یک کتاب حدیث شیعه پرداخته است؟

۳. افزون بر آن، بر فرض که نویسنده تعهد داشته است فقط بحارالانوار را به سبب حجیم‌تر بودنش انتخاب کند، چرا ده‌ها هزار احادیث ناب آن را رها کرده و به گزینش چند حدیث ضعیف مبادرت نموده است؟

این سؤال‌ها و چراها، واقعیت‌هایی است که نمی‌گذارند یک خواننده تیزهوش از کنار این مقاله ساده بگذرد و خوش‌بینانه و ساده‌لوحانه همه این گزینش‌ها را اتفاقی یا ناشی از غفلت یک نویسنده متبخر بداند.

۴. درباره موضوع جمع قرآن و تعریف آن باید دانست؛ اگرچه تعداد اندکی از عالمان شیعه و اهل سنت به تحریف و حذف آیاتی از قرآن معتقد شده‌اند، اما این نظریه به شدت از سوی اکثریت قاطع عالمان دینی فریقین رد شده و شهر بطلان بر آن زده‌اند. نظر همه مذاهب اسلامی، به‌ویژه معاصران شیعه و سنی، آن است که هیچ‌گونه تحریفی در قرآن رخ نداده است. مراجعه به مشهورترین کتاب‌های معتبر عالمان شیعه می‌تواند برای یک محقق منصف و بی‌غرض کافی باشد.

از جمله معروف‌ترین کتاب‌هایی که از ناحیه شیعه، اخیراً درباره موضوع صیانت قرآن از تحریف منتشر شده و مورد تأیید همه عالمان شیعه قرار گرفته است، از این قرار است:

- البیان، تألیف آیت الله خوئی؛

- تاریخ قرآن، ابر عبدالله زنجانی؛

- تاریخ قرآن، دکتر سید محمدباقر حجتی (پژوهشی در تاریخ قرآن کریم)؛

- صیانة القرآن من التحریف، آیت الله معرفت؛

- سلامة القرآن من التحریف، دکتر فتح الله محمدی نجارزادگان؛

... اكدوبة التحريف، رسول جعفریان و ...

شایسته بود با وجود این کتاب‌ها، نویسنده محترم و مستشرق قرآن‌پزوه مزبور، به آنها مراجعه می‌کرد و دیدگاه‌های موجود در آنها را به شیعه نسبت می‌داد تا صداقت خود را در گزارشگری نشان دهد.

۵. موضوع جمع آوری قرآن و تدوین آن به صورت کتابی جامع، توسط حضرت علی علیه السلام قبل از دیگران، سخنی نیست که به شیعیان اختصاص داشته باشد، بلکه کتاب‌های مأخذ و مرجع اهل سنت نیز این مطلب را نقل کرده‌اند (معرفت، ۱۴۲۵ ق، ج ۱، ص ۲۸۸)؛ از آن جمله می‌توان به: سیوطی در الاتقان (ج ۱، صص ۵۷ و ۷۱)، ابن ندیم، در الفهرست (ص ۴۷)، ابن سعد در طبقات الکبری (ج ۲، ص ۱۰۱)، ابن عبدالبر در الاستیعاب و در حاشیة الاصابة ابن حجر (ج ۲، ص ۲۵۳) و ابن جزی کلبی در التسهيل لعلوم التنزیل (ج ۱، ص ۴) اشاره کرد.

۶. گفتنی است طولانی بودن اصل سوره احزاب و حذف آیاتی از آن، علاوه بر اینکه از سوی مذهب شیعه و محققان و عالمان شیعه انکار شده و آنان این روایت بحارالانوار را ضعیف می‌دانند، اختصاص به یک کتاب حدیثی شیعه ندارد، بلکه برخی از کتاب‌های حدیثی اهل سنت نیز آن را نقل کرده‌اند. موارد ذیل از آن جمله‌اند:

الف) سیوطی در الاتقان از ابی ابن کعب نقل کرده است:

«عن زر بن حبیش، عن ابن کعب، قال: کم تقرون سورة الاحزاب؟ قلت: ثلاثاً و سبعین آية. قال: قط، لقد رأيتها و آنهاتعادل سورة البقره...» (سیوطی، ۱۳۶۳، ج ۳، ص ۷۲ / احمد بن حنبل، ج ۵، ص ۱۳۲)؛ زر بن حبیش نقل می‌کند که ابی بن کعب از من پرسید: سوره احزاب را که می‌خوانید چقدر است؟ گفتم: هفتاد و سه آیه. گفت: هرگز! من این سوره را دیده‌ام که معادل سوره بقره بود.

ب) عن عائشه، قالت: «كانت سورة الاحزاب تقرأ في زمن النبي صلى الله عليه وآله مأتى آية، فلما كتب عثمان المصاحف لم تقدر منها الا على ما هو الان و كانت تزعم منها آية الرجم» (سیوطی، ۱۳۶۳، ج ۳، ص ۷۲)؛ عائشه گفت: سوره احزاب در زمان پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله به صورت دویست آیه تلاوت می‌شد، اما هنگامی که عثمان به نوشتن مصاحف اقدام کرد، ما به آیات دیگری غیر از آیات فعلی دست نیافتیم. عائشه معتقد بود آیه «رجم» از آن آیات گمشده بود.

بنابراین، اگر نویسنده محترم تصمیم داشت نظریه تحریف قرآن را به یکی از مذاهب اسلامی نسبت دهد، بهتر بود نظریه خود را به مذهبی نسبت نمی‌داد که اینگونه احادیث را کمتر نقل کرده است.

گفتنی است اهل سنت نیز مانند شیعیان معتقد به ضعف این دو روایت و منکر تحریف قرآن کریم‌اند؛ لذا نویسنده مقاله نمی‌بایست این نسبت را به هیچ مذهب اسلام می‌داد.

۷. گرچه حدیث قرائت‌های هفت‌گانه در برخی کتب حدیثی شیعه و سنی نقل شده است، اما باید دانست: اولاً اینگونه تفسیر و شرح برای این حدیث، مورد قبول شیعیان نیست و عالمان شیعه و سنی تفسیرهای دیگری برای آن ارائه داده‌اند؛ ثانیاً، این حدیث در مأخذ حدیث شیعه وجود نداشته و از کتاب‌های حدیثی اهل سنت به کتاب‌های شیعه منتقل شده است؛ لذا اگر قرار است به مذهبی نسبت داده شود، باید به مذهبی منتسب شود که منبع اصلی این حدیث است - که ما با آن هم مخالفیم - ثالثاً، برخی محققان معاصر شیعه، اساساً اصل صحت این حدیث و صدور آن را از پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله انکار کرده‌اند که در این صورت، همه بحث‌ها و نسبت‌های فوق بی‌پایه و واهی خواهد بود؛ برای نمونه آیت الله خوئی می‌نویسد: «حقیقت آن است که قرائت‌های هفت‌گانه، حجت شرعی

نیستند و نمی‌توان بر اساس آنها حکم شرعی استنباط کرد» (موسوی خونی، ۱۴۰۱ ق، ص ۱۶۴).

از آنجا که این روایات مخالف قرآن و روایات صحیحۀ امامان معصوم علیهم‌السلام هستند، اساساً از اعتبار ساقطاند؛ علاوه بر اینکه متون روایات سبعة احرف نیز متهافت و با یکدیگر متضاد هستند (همان، ص ۱۷۷).

حاصل سخن آنکه: برای نظریۀ نزول قرآن بر هفت حرف، هیچ معنای صحیحی نمی‌توان بیان کرد؛ لذا همه آنها را باید طرد کنیم؛ به‌ویژه که احادیث صحیحۀ امامان معصوم علیهم‌السلام دلالت بر کذب آنها دارند؛ افزون بر این، باید دانست قرآن بر یک حرف نازل شده و اختلاف از ناحیۀ راویان آن پدیدار شده است (همان).

آیا با این همه صراحت بیان - که در کتاب یکی از بزرگ‌ترین مراجع تقلید شیعه در قرن حاضر دیده شود - سزاوار است یک محقق غربی به عنوان یک گزارشگر بی‌طرف، خلاف آن را رسماً به مذهب شیعه نسبت دهد؟! (زمانی، ۱۳۸۲، ص ۷۹-۱۰۴).

افزون بر ویژگی‌های مثبت و اشکالاتی که دربارهٔ دائرةالمعارف قرآن لیدن بیان شد، صاحب مقاله «بررسی دائرةالمعارف قرآن لیدن» نیز نقاط ضعف دائرةالمعارف را اینگونه ارزیابی می‌کند:

#### ۲-۴. نقاط ضعف دائرةالمعارف قرآن لیدن

۲-۴-۱. ادعای تحقیق موشکافانه (که در مقدمه دائرةالمعارف آمده است) با عملکرد نویسندگان در برخی مقالات دانشنامه، سازگار نیست؛ برای مثال کلود ژیلیو در مقدمه «تفسیر قرآن: در دورهٔ کلاسیک و ادوار میانه»

(McAuliffe, Ibid, vol.1, p.99-124) کتاب حقایق التأویل فی متشابه التزیل سید مرتضی (م ۴۰۶ ق) را از تفاسیر معتزله بر می‌شمرد و نیز شیخ طوسی (م ۴۶۰ ق) و شیخ طبرسی (م ۵۴۸ ق) را از مفسران شیعی معتزلی معرفی می‌نماید؛ در حالی که اینگونه نیست و این بزرگواران از علمای برجستهٔ شیعهٔ امامیه محسوب می‌شوند.

۲-۴-۲. مشکلات روش‌شناختی در معرفی تفاسیر: برای مثال راترود ویلات در مقاله «تفسیر قرآن: در دورهٔ جدید و معاصر» (Ibid, vol.1, p.125-142) شروع تفسیر علمی قرآن را از فخر رازی (م ۶۰۶ ق) و با استخراج علوم از قرآن معرفی می‌کند؛ سپس از آلوسی (م ۱۸۵۶) در روح الممانی و طنطاوی در الجواهر نام می‌برد. ایشان در این مقاله اعتراف می‌کند تفسیر علمی قرآن، اعجاز قرآن را می‌رساند و حرب‌های در دست مسلمانان علیه غرب است؛ ولی توجه نداشته است که تفسیر علمی قرآن از عصر برعلی سینا (۳۷۰-۴۲۸ ق) در کتاب رسائل او آغاز شده و به سه شیوهٔ زیر صورت گرفته است:

اول: استخراج علوم از قرآن بر اساس برداشتی نادرست از آیهٔ «وَيَوْمَ نَبْعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ سَهِيدًا عَلَيْهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَجِئْنَا بِكَ شَهِيدًا عَلَىٰ هَؤُلَاءِ وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ بَيِّنَاتًا لِكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ» (و [به یادآور] روزی را که در هر امتی گواهی از خودشان برایشان برانگیزیم و تو را [هم] بر این [امت] گواه آوریم و این کتاب را که روشنگر هر چیزی است و برای مسلمانان رهنمود و رحمت و بشارتگری است، بر تو نازل کردیم) (نحل: ۸۹) می‌باشد که در ظاهر، همهٔ علوم را در قرآن موجود می‌داند و این راهی است که غزالی (م ۵۰۵ ق) پیموده است (غزالی، [بی‌تا]، «ب»، ج ۱، ص ۲۸۹ / همو، [بی‌تا] «الف»، ص ۱۸).

دوم: تحمیل نظریه‌های علمی بر قرآن کریم که شیفتگان علوم جدید بدان

میل پیدا کرده‌اند؛ از جمله عبدالرزاق نوفل مصری در کتاب‌های متعدد.

سوم: استفاده علوم برای فهم بهتر قرآن کریم که شیوه‌ای صحیح است و افرادی همچون محمد عبده خواسته‌اند این راه را طی کنند (رک به: رضایی اصفهانی، ۱۳۷۵).

۲.۴.۳. تکرار تهمت‌های مستشرقان نسبت به قرآن: با اینکه شیوه عمومی این دائرةالمعارف، با پژوهش‌های قبلی مستشرقان فاصله زیادی دارد و رویکردی منصفانه و محققانه بر بسیاری از مقالات آن حاکم است، ولی برخی نویسندگان بدون تحقیق جدید و به صورتی تقلیدگونه، همان مطالب مستشرقان را تکرار کرده‌اند که در ادامه به چند نمونه اشاره می‌کنیم:

آندرو ریپین ذیل مدخل «هارون» چنین می‌نویسد: «قرآن به غلط و خطا، مادر عیسی (علیه السلام) را خواهر هارون می‌داند: «يَا أُخْتُ هَارُونَ مَا كَانَ أَبُوكَ امْرَأَ سَوْءٍ وَ مَا كَانَتْ أُمُّكَ بَيْتًا» (ای خواهر هارون! پدرت مرد بدی نبود و مادرت [تیز] بدکاره نبود) (مریم: ۲۸) و حال آنکه هارون قرن‌ها پیش از مادر عیسی از دنیا رفته است. در کتاب مقدس آمده است: هارون خواهری به نام مریم داشته که در زمان هارون و موسی (علیه السلام) بوده است، نه در زمان عیسی (علیه السلام) (Ibid, vol.1, p.1-2).

آندرو ریپین اگر به تفاسیر مهم شیعه و اهل سنت مراجعه می‌کرد، متوجه می‌شد که این جمله قرآن - که از زبان مخالفان حضرت مریم (علیه السلام) حکایت می‌کند - ضرب‌المثلی در میان قوم او بوده است. در حدیثی از پیامبر (صلی الله علیه و آله) نیز نقل شده است: «چون هارون مرد پاکی بود، در میان بنی اسرائیل ضرب‌المثلی شده بود؛ از این رو، به افراد پاک می‌گفتند؛ این برادر یا خواهر هارون است» (طبرسی، ۱۴۱۵ ق، ذیل آیه ۲۸ سوره مریم / عروسی حویزی، ۱۴۲۲ ق، ج ۳، ص ۳۳۳ / مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۵ ش، ج ۱۳، ص ۵۱).

این لغزش آندرو ریپین در فهم آیه قرآن و عدم توجه او به تفاسیر و روایات تفسیری و نسبت خطای تاریخی به قرآن دادن - که مریم زمان موسی (علیه السلام) را با مریم زمان عیسی (علیه السلام) اشتباه کرده است - همان اندازه برای دائرةالمعارف قرآن لیدن مشکل‌آفرین است که توجه نکردن آندرو ریپین و سرویراستاران، ارزیابان و ناظران دائرةالمعارف فوق به تحقیقات مستشرقان و نقدهای مسلمانان به آنها؛ زیرا این مطالب آندرو ریپین مطلب جدیدی نیست، بلکه تکرار مطالب مستشرقان قبلی است؛ چرا که اولین بار شخصی به نام آدریان ریلاند (۱۶۷۶-۱۷۱۸ م) این اشکال را بر قرآن مطرح کرد و مسلمانان بارها این اشکال را پاسخ گفته، لغزش مستشرقان را در فهم آیه مذکور تذکر داده‌اند؛ از جمله عبدالرحمن بدوی (۱۹۸۸ م) در کتاب دفاع عن القرآن (ص ۱۶۱) همین اشکال را مطرح کرده و پاسخ مفصلی به آن داده است، ولی عجیب این است که چهارده سال بعد از انتشار کتاب عبدالرحمان بدوی، همان اشتباه مستشرقان قبلی در دائرةالمعارف قرآن لیدن تکرار می‌شود؛ بدون اینکه به پاسخ اشاره شود.

۲.۴.۴. تناقض درونی در دائرةالمعارف قرآن لیدن: لازم است مطالب ارائه شده هر کتابی که نگاشته و تدوین می‌شود، با هم تناقض نداشته باشند، به‌ویژه در مسائل تاریخی که به مذاهب و کتاب‌های آسمانی نسبت داده می‌شود؛ اما در دائرةالمعارف قرآن لیدن گاهی این تناقض‌ها به چشم می‌خورد؛ برای مثال جویریل بل در مقاله «حدیث و قرآن» مطالبی در مورد تحریف قرآن نقل کرده است؛ از جمله از سیوطی نقل می‌کند که آیه رجم بر محمد (صلی الله علیه و آله) وحی شده، اما در قرآن نیامده است. کلمه ائمه به امت تبدیل شده است؛ همچنین می‌گوید شیعیان معتقدند سوره احزاب در اصل از سوره بقره طولانی‌تر بوده است، ولی در معرض تغییر قرار گرفته است؛ نیز می‌گوید: شیعه قرائت‌های هفت‌گانه قرآن را برای

استنباط فتاوی فقهی تفسیر کرده است (McAuliffe, Ibid, vol.1, p.376-396) در حالی که مسئله تحریف قرآن را نیویابی در مقاله «تحریف» (Ibid, vol.1, p.242) که در همان دائرةالمعارف قرآن لیدن نوشته شده، مردود اعلام کرده است. ۲۵۵. جمع آوری نکردن تمام اطلاعات لازم در یک زمینه: از ویژگی‌های مهم یک دائرةالمعارف، آن است که تمام اطلاعات لازم درباره یک مطلب را به صورت فشرده ارائه کند؛ به طوری که خواننده را از مراجعه به کتاب‌های دیگر بی‌نیاز سازد؛ اما گاهی دائرةالمعارف قرآن لیدن این مهم را به انجام نرسانده است؛ برای مثال خانم مک اولیف در مقاله «فاطمه علیها السلام» نوشته است: مفسران قرآن، آیات ۶۱ سوره آل عمران (آیه مباهله) و ۳۳ سوره احزاب (آیه تطهیر) را درباره فاطمه علیها السلام می‌دانند؛ سپس از تفسیر طبری نقل می‌کند که مقصود از اهل البیت در سوره احزاب، حضرت محمد صلی الله علیه و آله، فاطمه علیها السلام، علی علیه السلام، حسن علیه السلام و حسین علیه السلام هستند؛ ولی از عکرمه نقل می‌کند که مقصود، همسران پیامبر صلی الله علیه و آله می‌باشند (Ibid, vol.1, p.192-193) در حالی که اولاً آیات مربوط به حضرت فاطمه علیها السلام در قرآن از ۶۰ تا ۱۳۵ آیه حکایت شده است (مؤید، ۱۳۸۰ / الحلو، ۱۴۲۱ ق / شیرازی، ۱۴۲۱ ق)؛ هر چند باید گفت: البته برخی از شأن نزول این آیات در مورد فاطمه علیها السلام است و در برخی دیگر فاطمه علیها السلام از مصادیق، تأویل، بطن و یا تفسیر آیه شمرده شده و برخی آیات نیز مورد تأیید و تأکید مفسران بزرگ شیعه و اهل سنت بوده است؛ از جمله سوره کوثر (ر.ک به: رازی، [بی‌تا]، ذیل سوره کوثر / طباطبایی، ۱۳۹۳ ق، ذیل سوره کوثر / مکارم شیرازی، ۱۳۶۷، ذیل سوره کوثر) و آیات نذر در سوره انسان (هل أتی) (ر.ک به: انصاری قرطبی، ۱۴۱۷ ق)، نظام الدین حسن بن محمد بن حسین نیشابوری در غرائب القرآن و رغائب الفرقان، ابی محمد حسین بن مسعود فراء بغوی در معالم التنزیل فی التفسیر و التأویل، سیدهاشم بحرانی در البرهان فی

تفسیر القرآن (۱۴۱۲ ق)، ملا محسن فیض کاشانی در تفسیر صفائی (۱۳۹۹ ق) و تفاسیر المیزان، نور، الثقلین، نمونه و... .

گفتنی است در مورد فاطمه زهرا علیها السلام بیش از ۲۴۰۰ کتاب نوشته شده است (ر.ک به: زنجانی خوئینی، ۱۳۸۲) که در بسیاری از آنها، آیات مربوط به حضرت فاطمه علیها السلام یادآوری شده است. توجه نکردن به این میراث گرانسنگ اهل سنت و شیعه، در مورد آیات مربوط به حضرت زهرا علیها السلام، از نویسنده و سروراستار دائرةالمعارف قرآن لیدن قابل اغماض نیست و ممکن است برخی، آن را بر کم‌اطلاعی نویسنده حمل نمایند.

ثانیاً، لازم است نویسنده دائرةالمعارف گزارش کاملی از دیدگاه‌های هر موضوع ارائه کند و اگر از کسی دیدگاهی نقل می‌کند، دیدگاه مخالف او را نیز نقل کند؛ چه اینکه در مثال مزبور، هنگامی که حدیث عکرمه نقل شد، لازم بود نویسنده به ضعف سند حدیث وی نیز اشاره می‌کرد؛ به ویژه آنکه بزرگان علم رجال در اهل سنت و شیعه، عکرمه را تضعیف کرده‌اند و او را از خوارج دانسته‌اند (ر.ک به: ذهبی، ۱۴۱۶ ق، ج ۳، ص ۹۳-۹۶ / تستری، ۱۴۰۸ ق، ج ۶، ص ۳۲۷)؛ البته برخی بزرگان نیز عکرمه را ثوثیق کرده، ولی در استناد این روایت به او تشکیک کرده‌اند (ذهبی، [بی‌تا]، ج ۱، ص ۳۴۸-۳۶۱)؛ همچنین باید به ضعف دلالتی این حدیث (نزلت فی نساء النبي صلی الله علیه و آله خاصه) (طبری، ۱۴۰۶ ق، ج ۱۲، ص ۸) اشاره می‌شد؛ زیرا - همان گونه که برخی مفسران اشاره کرده‌اند - آیه تطهیر بر پاکی از هر گونه گناه و آلودگی، یعنی عصمت اهل بیت علیهم السلام، دلالت دارد (طباطبایی، ۱۳۹۳ ق، ج ۱۶، ص ۳۱۰-۳۱۱) و این مطلب نمی‌تواند مربوط به همه زنان پیامبر صلی الله علیه و آله باشد که آیات ۴-۶ سوره تحریم در مورد توبه آنان نازل شده است (بخاری، ۱۴۱۱ ق، ج ۳، ص ۳۱۴ ح ۴۹۱۵۴۹۱۴).

۲-۴۶. نقل اسرار ائلیات بدون نقد: برای مثال، کرنلیا شاک ذیل مدخل «آدم ﷺ و حوا» در قسمت آفرینش آدم ﷺ و حوا آورده است: «قرآن می‌گوید: ای بنی آدم! خداوند شما را از یک فرد [آدم] و همسرش را از او آفرید، یعنی او را از دنده بایین یا از سمت چپ آدم خلق کرد» (McAuliffe, Ibid, vol.1, p.22-26).

اشاره نویسنده به آیه اول سوره نساء «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا» (ای مردم! از پروردگارتان که شما را از «نفس واحدی» آفرید و جفتش را [نیز] از او آفرید و از آن دو، مردان و زنان بسیاری پراکنده کرد، پروا دارید و از خدایی که به [نام] او از همدیگر درخواست می‌کنید، پروا نمایید و زنهار از خویشاوندان متبرید که خدا همواره بر شما نگهبان است) می‌باشد.

اولاً در این آیه، بلکه در کل قرآن، تصریح نشده که حوا از دنده چپ آدم ﷺ آفریده شده است؛ بنابراین نسبت دادن عبارت فوق به قرآن، بر خلاف امانتداری در نقل مطالب است؛ ثانیاً، در تورات آمده است: و خداوند خوابی گران بر آدم ﷺ مستولی گردانید تا بخفت و یکی از دنده‌هایش را گرفت و گوشت به جایش پر کرد و خداوند از آن دنده که از آدم ﷺ گرفته بود، زنی بنا کرد و وی را به نزد آدم ﷺ آورد و آدم ﷺ گفت: همانا این است استخوانی از استخوان‌هایم و گوشتی از گوشتم؛ از این سبب نساء نامیده شود، زیرا از انسان گرفته شده (کتاب مقدس، ۱۹۸۱ م، سفر پیدایش، باب ۲، ص ۲۲-۲۳).

پس این مطلب از داستان‌های تورات بوده که در ذهن کرنلیا شاک باقی مانده و هنگام نوشتن مقاله به قرآن نسبت داده است.

ثالثاً، اگر نویسنده به تفاسیر مسلمانان در مورد آیات خلقت آدم ﷺ مراجعه

می‌کرد، گرفتار این لغزش نمی‌شد؛ زیرا علامه طباطبایی در المیزان به صراحت مطالب مزبور را که در روایتی آمده است، نقل کرده و آن را نفی می‌کند و ریشه آن را اسرائیلی می‌داند (طباطبایی، ۱۳۹۳ ق، ج ۱، ص ۱۴۷).

۲-۴۷. نسبت دادن برخی مطالب غیر مناسب به پیامبر الهی: برای مثال ذیل مدخل «ابراهیم ﷺ» (McAuliffe, vol.1, p.7) آزر را پدر وی می‌خواند و نیز ابراهیم ﷺ را در داستان پرندگان، معترض به خدا معرفی می‌کند؛ همچنین در همان مدخل، اجداد پیامبر اسلام ﷺ را «بت پرستان» می‌خواند.

در حالی که مفسران بزرگ شیعه، به ویژه در مجمع البیان، المیزان، تفسیر نمونه و... ذیل آیات ۱۱۳-۱۱۴ سوره توبه، ۴ سوره ممتحنه، ۴۷ سوره مریم و ۸۶ سوره شعراء به این مطالب اشاره کرده و آنها را توجیه یا رد کرده‌اند و روشن ساخته‌اند که آزر عموی ابراهیم ﷺ بوده و حدیثی که در مورد پیامبر اسلام ﷺ نقل شده، جعلی است و شواهد زیادی بر ایمان اجداد پیامبر ﷺ وجود دارد (برای آگاهی از آیات مذکور، رک به: طبرسی، ۱۴۱۵ ق / طباطبایی، ۱۳۹۳ ق / مکارم شیرازی، ۱۳۶۷، ج ۸، ص ۱۵۷-۱۵۹).

۲-۴۸. استفاده نکردن از نویسندگان متخصص قرآن: استفاده از قلم نویسندگان مختلف جهان، از نقاط قوت این دائرة المعارف است؛ اما در عصر حاضر در خاورمیانه، یعنی در مصر، لبنان، عراق، ایران، پاکستان و برخی کشورهای دیگر، قرآن پژوهان برجسته‌ای وجود دارند که برخی ده‌ها جلد تفسیر قرآن نگاشته‌اند و یا در موضوعات قرآنی و علوم وابسته، نوشته‌های مفصلی دارند، ولی صاحبان دائرة المعارف قرآن لیدن به سراغ استادان قوی و مشهور نرفته‌اند؛ برای مثال از کشور ایران، از آقای محمدعلی امیر معزی و محسن ذاکری استفاده کرده‌اند، در حالی که نام این دو نفر برای انجمن علمی قرآن و محققان قرآن پژوه ایران

ناآشناست؛ حال آنکه در زمان نگارش این دائرةالمعارف در ایران قرآن‌پژوهان بزرگی همچون آیت الله مکارم شیرازی (صاحب تفسیر نمونه) و آیت الله معرفت (صاحب التفسیر الاثری الجامع و التمهید فی علوم القرآن) و ده‌ها دانشمند دیگر وجود داشته و دارند (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۵، ص ۶۰-۷۰).

## ۲-۵. نتایج

از مطالعه و بررسی مدخل‌های گوناگون دائرةالمعارف قرآن‌لیدن، مطالب ذیل قابل ذکر است:

۱. حجم مدخل‌ها (مقالات) و کوتاهی و بلندی آنها، در نگاه اول متناسب به نظر نمی‌رسد؛ برای مثال پاره‌ای از آنها فقط از یک یا دو صفحه تشکیل شده‌اند، مانند مدخل‌های «غریب القرآن، ورید، ابولهب، ایلاء، ایام الله، ارم، اسکندر، بعل، بابل، بدر، خلیفه، روز و شب، نخل، دهر، دبه، غنیمت، عاد، علی بن ابیطالب» (از جلد اول) و مدخل‌های «مصر، یسع، حسد، حزقیال، قحطی، قتال، جلد، عفو، هبه، حفصه، حنیف، هاروت و ماروت، عسل، حدیبیه، حنین، براثت» (از جلد دوم) و مدخل‌های «جبت، بلوغ، سخره و استهزاء، دروغ (کذب)، انباء، کوه جودی، أسواق، نمود، مجوس، ایتم، عجایب القرآن، ایوب، رایحه‌ها و بوها، نفقه، یأس، یعقوب، نجران، بنونضیر، خدیجه، لقمان، میکائیل، اصحاب کهف، قارون» (از جلد سوم) و ...

در حالی که برخی از آنها، متشکل از پانزده تا سی صفحه‌اند؛ مانند مدخل‌های «جامعه و اجتماع در قرآن، تاریخ‌گذاری و قرآن، آثار انتقادی جدید و قرآن» (از جلد اول) مدخل‌های «تفسیر قرآن: در دوره کلاسیک و ادوار میانه، تفسیر قرآن: در دوره جدید و معاصر، شکل و ساختار قرآن، جغرافی، دستور زبان و قرآن، حدیث و قرآن» (از جلد دوم) مدخل‌های «ساختارهای ادبی قرآن، مسجد، عیسی علیه السلام، یهود و

یهودیت، زبان و اسلوب قرآن، فقه و قرآن، طب و قرآن، ادبیات و قرآن، نسخه‌های خطی قرآن، تأثیر قرآن بر وجوه مختلف فرهنگ مادی بشر، محمد صلی الله علیه و آله، قصص قرآن» (از جلد سوم) و ...

۲. به لحاظ موضوعی، پاره‌ای از مدخل‌ها، قرآنی تلقی نمی‌شوند و گزینش آنها در این دائرةالمعارف، ممکن است شگفتی ما را برانگیزد؛ برای نمونه مدخل‌های «کنترل جمعیت، اتم، ادبیات آفریقا، آارات، امریکایی‌های آفریقایی، دروزیان، سینما و قرآن» (از جلد اول) و مدخل‌های «بوم‌شناسی، هنر حکاک، اتیوپی، اباضیه، عراق» (از جلد دوم) و مدخل‌های «پول، عددشناسی، فلزات و مواد معدنی» (از جلد سوم) و ... از آن جمله‌اند؛ البته طرح مدخل‌هایی مانند «دروزیان و فرقه بهایی» در این دائرةالمعارف، به اعتبار برداشت و تفسیر خاص آنها از قرآن بوده است.

گذشته از این، باید توجه داشت دائرةالمعارف قرآن‌لیدن (EQ) از سوی قرآن‌پژوهان غربی و در محیط مطالعاتی خاص آنان با گرایش‌های ویژه خود تألیف شده است.

۳. بعضی از نویسندگان مدخل‌ها، مطالب خود را منصفانه مطرح کرده‌اند و گرایش آنها به اسلام و قرآن و حتی تشیع، مثبت و خوش‌بینانه است؛ مانند: خانم مک اولیف، آقای جردن دارنل نیوی، آقای ریچارد سی. مارتین، آقای رابرت شیک ذیل مدخل «باستان‌شناسی و قرآن» و مارگات بدران در مدخل «فمینیسم و قرآن» و ...

اما دسته دوم نویسندگان، کسانی هستند که تقریباً نگرشی منفی و غیرمنصفانه با غیرعالمانه دارند؛ مانند کلود ژیلیو ذیل مدخل «تفسیر قرآن: در دوره کلاسیک و ادوار میانه» که برای پاره‌ای از مدعیات خود، هیچ دلیلی اقامه نکرده است و جوئل بل ذیل مدخل «حدیث و قرآن» که اعتقاد گروه اندکی از شیعه را در زمینه

ناآشناست؛ حال آنکه در زمان نگارش این دایرةالمعارف در ایران قرآن‌پژوهان بزرگی همچون آیت الله مکارم شیرازی (صاحب تفسیر نمونه) و آیت الله معرفت (صاحب التفسیر الاثری الجامع و التمهید فی علوم القرآن) و ده‌ها دانشمند دیگر وجود داشته و دارند (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۵، ص ۶۰-۷۰).

#### ۲-۵. نتایج

از مطالعه و بررسی مدخل‌های گوناگون دایرةالمعارف قرآن لیدن، مطالب ذیل قابل ذکر است:

۱. حجم مدخل‌ها (مقالات) و کوتاهی و بلندی آنها، در نگاه اول متناسب به نظر نمی‌رسد؛ برای مثال پاره‌ای از آنها فقط از یک یا دو صفحه تشکیل شده‌اند، مانند مدخل‌های «غریب القرآن، ورید، ابولهب، ایلاء، ایام الله، ارم، اسکندر، بعل، بابل، بدر، خلیفه، روز و شب، نخل، دهر، دبه، غنیمت، عاد، علی بن ابیطالب» (از جلد اول) و مدخل‌های «مصر، یسع، حسد، حزقیال، قحطی، قتال، جلد، عفو، هبه، حفصه، حنیف، هاروت و ماروت، عسل، حدیبیه، حنین، براءت» (از جلد دوم) و مدخل‌های «جبت، بلوغ، سخره و استهزاء، دروغ (کذب)، انباء، کوه جودی، أسواق، نمرود، مجوس، ایام، عجایب القرآن، ایوب، رایحه‌ها و بوها، نفقه، یأس، یعقوب، نجران، بنونضیر، خدیجه، لقمان، میکائیل، اصحاب کهف، قارون» (از جلد سوم) و...

در حالی که برخی از آنها، متشکل از پانزده تا سی صفحه‌اند؛ مانند مدخل‌های «جامعه و اجتماع در قرآن، تاریخ‌گذاری و قرآن، آثار انتقادی جدید و قرآن» (از جلد اول) مدخل‌های «تفسیر قرآن: در دوره کلاسیک و ادوار میانه، تفسیر قرآن: در دوره جدید و معاصر، شکل و ساختار قرآن، جغرافی، دستور زبان و قرآن، حدیث و قرآن» (از جلد دوم) مدخل‌های «ساختارهای ادبی قرآن، مسجد، عیسی علیه السلام، یهود و

یهودیت، زبان و اسلوب قرآن، فقه و قرآن، طب و قرآن، ادبیات و قرآن، نسخه‌های خطی قرآن، تأثیر قرآن بر وجوه مختلف فرهنگ مادی بشر، محمد صلی الله علیه و آله، قصص قرآن» (از جلد سوم) و...

۲. به لحاظ موضوعی، پاره‌ای از مدخل‌ها، قرآنی تلقی نمی‌شوند و گزینش آنها در این دایرةالمعارف، ممکن است شگفتی ما را برانگیزد؛ برای نمونه مدخل‌های «کنترل جمعیت، اتم، ادبیات آفریقا، آزارات، امریکایی‌های آفریقایی، دروزیان، سینما و قرآن» (از جلد اول) و مدخل‌های «بوم‌شناسی، هنر حکاک، اتیوپی، اباضیه، عراق» (از جلد دوم) و مدخل‌های «پول، عددشناسی، فلزات و مواد معدنی» (از جلد سوم) و... از آن جمله‌اند؛ البته طرح مدخل‌هایی مانند «دروزیان و فرقه بهایی» در این دایرةالمعارف، به اعتبار برداشت و تفسیر خاص آنها از قرآن بوده است.

گذشته از این، باید توجه داشت دایرةالمعارف قرآن لیدن (EQ) از سوی قرآن‌پژوهان غربی و در محیط مطالعاتی خاص آنان با گرایش‌های ویژه خود تألیف شده است.

۳. بعضی از نویسندگان مدخل‌ها، مطالب خود را منصفانه مطرح کرده‌اند و گرایش آنها به اسلام و قرآن و حتی تشیع، مثبت و خوش‌بینانه است؛ مانند: خانم مک اولیف، آقای جردن دارنل نیوبای، آقای ریچارد سی. مارتین، آقای رابرت شیک ذیل مدخل «باستان‌شناسی و قرآن» و مارگات بدران در مدخل «فمینیسم و قرآن» و...

اما دسته دوم نویسندگان، کسانی هستند که تقریباً نگرشی منفی و غیرمنصفانه یا غیرعالمانه دارند؛ مانند کلود ژیلیو ذیل مدخل «تفسیر قرآن: در دوره کلاسیک و ادوار میانه» که برای پاره‌ای از مدعیات خود، هیچ دلیلی اقامه نکرده است و جوئل بل ذیل مدخل «حدیث و قرآن» که اعتقاد گروه اندکی از شیعه را در زمینه

اما جای بسی تأسف است که قرآن‌پژوهان داخل ایران - که خوشبختانه شمارشان هم اندک نیست - هیچ سهمی در تألیف مقالات این دایرةالمعارف ندارند.\*

۶. در مجموع، کار تهیه دایرةالمعارف قرآن لیدن (EQ) در مقایسه با مقداری که تاکنون چاپ و منتشر شده، تقریباً مثبت و خوب ارزیابی می‌شود و قابل تجلیل است؛ اما ارزیابی نهایی درباره نوع و کیفیت مطالب، متوقف بر چاپ و انتشار دیگر جلد‌های دایرةالمعارف قرآن لیدن (EQ) در سال‌های آتی است.

\* به نظر می‌رسد در جستن علل و مسبب‌های این امر، باید بر عدم ارتباط سامان‌مند میان اسلام‌شناسان و قرآن‌پژوهان داخل کشور با مراکز مختلف اسلام‌شناسی در غرب تأکید کرد. به رغم اینکه چند سالی است استفاده از شبکه اطلاع‌رسانی جهانی (اینترنت) در میان قرآن‌پژوهان داخل کشور رواج یافته است، این ارتباط غالباً یک‌سویه و گاهی محدود به سایت‌های فارسی و عربی زبان است؛ لذا نگارندگان بر این باورند که در نگاهی منصفانه در عدم استفاده از محققان ایران برای تألیف مقالات دایرةالمعارف قرآن لیدن (EQ) عذر چندانی متوجه مسئولان آن نیست؛ زیرا شبکه و گلابه از این قرآن‌پژوهان داخلی است که حداقل چکیده و گزیده‌های از تحقیقات و یافته‌های جدید خود را در دانش‌های قرآنی، به زبان انگلیسی، به این مراکز معرفی نمی‌کنند؛ البته در سال‌های اخیر، کارهای خوبی در این زمینه صورت گرفته است؛ از جمله ترجمه تفسیر نمونه اثر گرانسنگ آیت الله مکارم شیرازی به چندین زبان زنده دنیا و...

اعتقاد به تحریف قرآن، به کلی بیروان تشیع نسبت داده است و...  
۴. با نگاهی به عنوان برخی مقالات و مؤلفان آنها، در می‌یابیم مسئولان علمی دایرةالمعارف قرآن لیدن (EQ) در انتخاب و گزینش مؤلف، بر تخصص و زمینه تحقیقاتی هر یک از مؤلفان تأکید ورزیده، سعی داشته‌اند تألیف مقالات مهم را به کسانی بسپارند که در آن زمینه صاحب نظر بوده، تألیفاتی علمی - پژوهشی داشته‌اند؛ برای نمونه تألیف مقاله مهم «اسباب النزول» بر عهده قرآن‌پژوه معروف انگلیسی، آقای اندرو ریپین نهاده شده که به صورت تخصصی و آکادمیک در این موضوع به پژوهش پرداخته و عنوان رساله دکتری وی نیز «متون اسباب النزول قرآنی: بررسی کاربرد و تحول آن» است. خانم زابینه اشمیتکه مؤلف کتاب اندیشه‌های کلامی علامه حلی نیز که به همراه مارتین مکدرموت و زیر نظر پرفسور ریلفرد مادلونگ، تأثیر و تأثر و ارتباط آرا و اندیشه‌های متکلمان بزرگ شیعه با مکتب کلام اعتزال را بررسی کرده، تألیف مقاله مهم «معتزله» را عهده‌دار شده است.

۵. حضور پژوهشگران و مؤلفان مسلمان خارج از کشور، در میان نویسندگان دایرةالمعارف قرآن لیدن (EQ) تقریباً چشمگیر است و حتی برخی محققان ایرانی که در دانشگاه‌های اروپا و آمریکا به آموزش و پژوهش در زمینه مطالعات اسلامی، به‌ویژه پژوهش‌های قرآنی اشتغال دارند، برای این دایرةالمعارف مقاله تألیف کرده‌اند؛ این محققان و عنوان مقالات آنان عبارتند از:

- محمدعلی امیر معزی از پاریس که مقاله «ارتداد» را تألیف کرده است.
- محسن ذاکری از دانشگاه فرانکفورت آلمان که مقاله «حکم» را نگاشته است.
- نرید کرمانی از کالج ویسینجافت برلین (آلمان) که مقاله «عقل» را تدوین

نموده است (بهار دوست، ۱۳۸۲، ص ۵۱-۵۳).

## منابع

۱. القرآن الکریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند، قم: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ۱۳۸۰.
۱. اسکندرو، محمدجواد؛ «معرفی و نقد دائرةالمعارف قرآن لیدن»؛ قیسات، ش ۲۹، پاییز ۱۳۸۲، ص ۲۸۵-۲۶۷.
۲. الحلو، سیدمحمدعلی؛ ما نزل من القرآن فی شأن فاطمة الزهراء [بی‌جا]: دارالکتب الاسلامی، ۱۴۲۱ ق.
۳. انصاری زنجانی خوئینی، اسماعیل؛ فاطمه در آینه کتاب، قم: دلیل ما، ۱۳۸۲.
۴. انصاری قرطبی، ابی عبدالله محمد بن احمد؛ الجامع لاحکام القرآن؛ ج ۵، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۷ ق.
۵. بحرانی، سیدهاشم؛ البرهان فی التفسیر القرآن، بیروت: دارالهادی، ۱۴۱۲ ق.
۶. بخاری، ابی عبدالله محمد بن اسماعیل؛ صحیح بخاری؛ بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۱ ق.
۷. بهار دوست، علی رضا؛ «انتشار جلد سوم دائرةالمعارف قرآن (EQ)»؛ کتاب ماه دین، ش ۱، آبان ۱۳۸۲، ص ۵۳-۵۱.
۸. تستری، محمدتقی؛ قاموس الرجال، قم: جماعة المدرسین بقم مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۸ ق.
۹. حجتی، سیدمحمدباقر؛ اسباب النزول؛ تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۴ ش.
۱۰. \_\_\_\_\_؛ پژوهشی در تاریخ قرآن کریم؛ تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۰ ش.
۱۱. حسینی شیرازی، صادق؛ فاطمة الزهراء فی القرآن؛ اصفهان: خوشنواز، ۱۴۲۱ ق.
۱۲. ذهبی، شمس‌الدین محمد بن احمد بن عثمان؛ میزان الاعتدال؛ بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۶ ق.
۱۳. ذهبی، محمدحسین؛ التفسیر و المفسرون؛ بیروت: دارالقلم، [بی‌تا].
۱۴. رازی (فخر رازی)، فخرالدین؛ تفسیر کبیر (مفاتیح الغیب)؛ ج ۲، تهران: دارالکتب العلمیه، [بی‌تا].

۱۵. رضایی اصفهانی، محمدعلی؛ «بررسی دائرةالمعارف قرآن لیدن»؛ قرآن و مستشرقان، ش ۱، پاییز و زمستان ۱۳۸۵، ص ۴۳-۷۰.
۱۶. \_\_\_\_\_؛ درآمدی بر تفسیر علمی قرآن؛ قم: اسوه، ۱۳۷۵.
۱۷. زمانی، محمدحسن؛ مستشرقان و قرآن: نقد و بررسی آراء مستشرقان درباره قرآن؛ قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۵.
۱۸. \_\_\_\_\_؛ «نقدی بر دائرةالمعارف قرآن لیدن»؛ پژوهش‌های فلسفی-کلامی، ش ۱۸-۱۷، پاییز ۱۳۸۲، ص ۷۹-۱۰۴.
۱۹. سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن بی‌ابی بکر؛ الاتقان فی علوم القرآن، با تحقیق محمدابوالفضل ابراهیم؛ ج ۲، قم: منشورات الرضی، ۱۳۶۳.
۲۰. طباطبایی، محمدحسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ ج ۳، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات و تهران: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۳۹۳ ق.
۲۱. طبرسی، فضل بن حسن؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن؛ بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۵ ق.
۲۲. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر؛ جامع البیان فی تفسیر القرآن؛ بیروت: دارالمعرفة، ۱۴۰۶ ق.
۲۳. عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه؛ تفسیر نورالتقلین؛ با تحقیق سیدعلی عاشور؛ بیروت: مؤسسه التاريخ العربی، ۱۴۲۲ ق.
۲۴. غزالی، ابوجامد محمد بن محمد؛ احیاء علوم الدین؛ «ب»، دمشق: عالم الکتب، [بی‌تا].
۲۵. \_\_\_\_\_؛ جواهر القرآن، «الف»، بیروت: مرکز العربی الکتب، [بی‌تا].
۲۶. فواء بغوی، ابی محمد حسین بن مسعود؛ معالم الترتیل فی التفسیر والتأویل؛ بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۴ ق.
۲۷. فیض کاشانی، ملا محسن؛ تفسیر صافی؛ با تصحیح علامه شیخ حسین الاعلمی؛ بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۹ ق.
۲۸. کتاب مقدس؛ ترجمه انجمن کتاب مقدس ایران؛ تهران: انجمن کتاب مقدس ایران، ۱۹۸۱ م.

۲۹. کریمی‌نیا، مرتضی؛ «آشنایی با دائرةالمعارف قرآن»؛ گلستان قرآن، ش ۱۹۰، آبان ۱۳۸۳، ص ۳۱-۳۳.
۳۰. \_\_\_\_\_، «دائرةالمعارف به انگلیسی»؛ گلستان قرآن، ش ۸۶، آبان ۱۳۸۰، ص ۳۵-۳۶.
۳۱. مجلسی، محمدباقر؛ بحارالانوار، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۳۲. مکارم شیرازی، ناصر؛ تفسیر به رأی و مرج و مرج ادبی؛ ج ۷، قم: مؤسسه مطبوعاتی هدف، ۱۳۶۷.
۳۳. موسوی خمینی، روح‌الله (امام)؛ آداب الصلوة، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۷۲.
۳۴. موسوی خوئی، سیدابوالقاسم؛ معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرواة؛ ج ۳، بیروت: منشورات مدينة العلم (افست قم)، ۱۴۰۳ ق.
۳۵. مؤید، شیخ علی حیدر؛ فضائل فاطمة فی الذکر الحکیم؛ قم: المكتبة الحیدریة، ۱۳۸۰ ق.
۳۶. نیشابوری، نظام‌الدین حسن بن محمد بن حسین؛ فرائب القرآن و رغائب الفرقان؛ تصحیح زکریا عمیرات، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۶ ق.
37. McAuliffe, Jane Dammen; ed., Encyclopaedia of the Quran; Leiden\_Boston: Brill, 2000.